بایگانی
تیتر
ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام‌جم | ۷
چهارشنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۳ | شماره ۱۰۵۶

در این بخش حوادث قدیمی را دوباره بازخوانی می‌کنیم. حوادثی بسیارقدیمی که فقط برخی افراد سن و سال‌دار آن را به یاد دارند و بازخوانی آن با همان ادبیات و نثر و نگارش قدیمی، برای ما و نسل قدیم بسیار جذاب و یادآور خاطرات آن زمان خواهد بود. در این شماره، اخبار جنایی که درسال۱۳۵٤در روزنامه های کیهان و اطلاعات منتشرشده را مرور می‌کنیم.

2 معشوقه و یک شوهر

ناصر، شوهر مقتول (نوعروس ۲۰ ساله) و دو زن (معشوقه‌های او) متهم هستند که در آبان‌ماه سال گذشته «طلعت» را به آتش کشیدند.

حادثه در آبان سال گذشته در خیابان شوش شرقی اتفاق افتاد. دو زن که هر دو معشوقه یک جوان به‌نام ناصر بودند، همسر ۲۰ ساله معشوق خود را مقابل منزل مسکونی‌اش با ریختن بنزین روی او به آتش کشیدند. نقشه و فکر این حادثه تلخ و مرگبار که از پیش طرح‌ریزی شده بود، چند روز قبل از حادثه با طلعت، نوعروس جوان درمیان گذاشته شد. قبل از وقوع حادثه، دو معشوقه ناصر در حالی که نقاب به صورت داشتند، به منزل طلعت صادقی، نوعروس ۲۰ ساله رفتند و او را تهدید کردند که اگر از شوهر خود طلاق نگیرد با پاشیدن اسید او را برای همیشه زشت و زمینگیر خواهند کرد ولی طلعت به این حرف‌ها توجه نکرد و آن را شوخی تلقی کرد.

آن دو زن با نقاب به در منزل طلعت رفتند و پس از فشردن زنگ در منزل در گوشه‌ای از دیوار مجاور منزل کمین کردند. به‌محض باز شدن در توسط طلعت، یکی از آنها ظرفی پر از بنزین را روی طلعت ریخت و دیگری او را به آتش کشید و سپس هر دو متواری شدند. در یک لحظه آتش تمام بدن طلعت را پوشاند و تازه‌عروس با شیون و فریاد از همسایه‌ها کمک طلبید. همسایه‌ها سر رسیدند و با ریختن آب روی طلعت آتش را خاموش کردند و سپس او را به بیمارستان سوانح و سوختگی بردند. در همین احوال به ماموران کلانتری ۱۴ تهران اطلاع داده شد و آنها با نشانه‌هایی که از زن‌های نقابدار به‌دست آورده بودند، یکی از آنها به‌نام سرور را دستگیر کردند. سپس توسط سرور، پری نیز دستگیر شد.

سرور در تحقیقات اولیه گفت: پری عامل این حادثه است زیرا معشوقه ناصر است. او از چندی قبل متوجه شد که ناصر زن گرفته و به‌خاطر این‌که ناصر را دوست داشت و نمی‌خواست او را از دست بدهد، درپی اجرای نقشه‌ای بود که رقیب را از میان بردارد. به همین جهت موضوع را با من و ناصر در میان گذاشت و گفت که برای این کار احتیاج به من دارد.

سرور افزود: ابتدا طلعت را تهدید کردیم ولی چون از میدان به‌در نرفت و حرف‌های ما را شوخی تلقی کرد، طبق یک نقشه او را آتش زدیم و پری برای این‌که دستگیر نشود به شیراز رفت. باتوجه به اظهارات سرور و پری، ماموران از همسایه‌ها، نزدیکان مقتول و همچنین شوی وی نیز در مورد روابط زن و شوهر و روز حادثه بازجویی کردند. در این زمینه مادر طلعت - نوعروس ۲۰ ساله - ادعا کرد که دامادش در طرح و اجرای به آتش کشیدن طلعت، نقش موثر داشته و با همکاری معشوقه‌هایش همسر خود را کشته است. باتوجه به مدارک و شواهد امر، ناصر نیز بازداشت شد و تحقیقات و بازجویی از وی و دو معشوقه‌اش به طور سری و جداگانه صورت گرفت.

در مراحل بعدی نیز سه متهم را روبه‌رو کردند و برای تکمیل پرونده، مجدد از اقوام ناصر و طلعت و همچنین همسایه‌ها نظرخواهی به‌عمل آمد. سرانجام پس از تکمیل پرونده، ناصر، پری و سرور به دادسرای تهران اعزام و بازداشت شدند. در گیرودار بازجویی از متهمان و آگاهان، طلعت که در بیمارستان بستری شده بود، پس از شش روز مبارزه با مرگ در اثر جراحات ناشی از سوختگی درگذشت. پرونده سه متهم پس از طی مراحل قانونی به شعبه دوم دادگاه عالی جنایی مرکز ارجاع شد. قرار بود دیروز از ساعت ۹ محاکمه این سه نفر آغاز شود ولی به‌علت کثرت پرونده به روز شنبه ۱۳ اسفند موکول شد.

پرونده این جنایت بی‌شباهت به پرونده گلباجی نیست، زیرا در پرونده گلباجی متهم یک همسر و دو معشوق بودند. در این پرونده نیز یک شوهر و دو معشوقه متهم هستند. احتمال به‌یقین، این پرونده علاقه‌مند و تماشاگر زیادی خواهد داشت. پیش‌بینی می‌شود محاکمه این سه نفر نیز در دادگاه عالی جنایی مرکز (تالار بزرگ) برگزار شود.

قاتل، گوش و بینی مقتول را برید و برای همسر او سوغات برد

مرد ٤٠ ساله، پیرمرد ٦٠ ساله‌ای را با تبر قطعه‌قطعه کرد و گوش و بینی بریده او را به عنوان سوغاتی برای همسر مقتول برد. خبرنگار اطلاعات در فیروزآباد فارس گزارش می‌دهد:متهم به قتل -حمزه - در بازجویی اعتراف کرد کربلایی فضل‌ا... - مقتول - را به بهانه خرید فرش از قیروکارزین، به فیروزآباد کشانده و هنگام بازگشت در بین راه، او را کشته و سپس جسدش را با تبر قطعه‌قطعه کرده است. حمزه در ادامه اعترافات خود افزود: پس از کشتن «فضل‌ا...» گوش و بینی او را در دستمالی پیچیدم تا برای همسر مقتول سوغات ببرم اما هنگامی که به خانه او رسیدم، زن فضل‌ا... در خانه نبود و من دستمال محتوی گوش و بینی بریده مقتول را به داخل حیاط پرت کردم و از آنجا گریختم اما چند ساعت بعد، ماموران ژاندارمری فیروزآباد مرا دستگیر کردند. متهم به قتل هنگامی که بازپرس از وی درمورد انگیزه قتل سؤال می‌کرد، خود را به ناشنوایی و دیوانگی زد! وی از سوی بازپرس دادسرای فیروزآباد با قرار بازداشت روانه زندان شد. هنوز انگیزه این جنایت معلوم نشده است.

مخالفت پدر با ازدواج دختری که به سن قانونی رسیده!

دختری که عاشق پسر نابینایی است به‌خاطر مخالفت پدرش با ازدواج، از دادستان تهران کمک خواست.

دو روز قبل یک دختر و پسر ۲۱ ساله در حالی که پسر از دو چشم نابینا بود و دختر او را راهنمایی می‌کرد، به دادسرای تهران، اتاق دادستان رفتند. دختر، خود را طاهره معرفی کرد و به دادستان تهران گفت: من و محمد مدتی است که با یکدیگر آشنا شده‌ایم و چون علاقه شدیدی به هم پیدا کرده‌ایم، تصمیم داریم با هم ازدواج کنیم. ابتدا این مسأله را با پدرم در میان گذاشتم و او گفت به‌خاطر این‌که محمد از دو چشم نابیناست نمی‌توانم اجازه بدهم که با هم ازدواج کنید. ناچار خودمان به محضر مراجعه کردیم و محضردار نیز گفت چون من دختر هستم، ازدواج با محمد باید حتما با اجازه پدرم باشد؛ حالا که همه درها به روی ما بسته است، به دادسرای تهران آمده‌ایم.

دادستان تهران به طاهره و محمد گفت: چون سن هر دوی شما قانونی است، باید به محضر مراجعه کنید. طبق قانون، محضردار طی نامه‌ای از پدر دختر خواهد خواست که ظرف ۱۵ روز با ازدواج دخترش موافقت کند؛ در صورتی که پدر باز هم مخالفت کرد، محضردار موظف است طبق قانون، ازدواج شما را ثبت کند. طاهره و محمد مجددا به محضر رفتند تا مراسم ازدواج خود را انجام دهند.